

الأربعين موعدي

با اشك و غم هم رازم و... می سوزم و می سازم و...
يعلم الدمع و الحزن سرى... يحترق وجودى و أنا أصبر عليه

می خوانمت شب تا سحر
و آنادیک طول الليل

دلتنگم ای کرب و بلا... در اربعین دیدار ما
يا كربلاء! لقد ضاق صدرى... موعدا فى يوم الأربعين

باعاشقان روی حسین
مع عشاق الحسين

با زائران کوی حسین
مع زائرى مقام الحسين

می آیم آخر سوی حسین
ساتى إلى الحسين أخيرا

(لبیک یا مولا یا حسین)

شدَّ الهوى حبلَ الجوى و اجتأخني سيلُ النوى
دلدادگی ريسمان عشق را محکم کرد و سيل دورى و فراق من را برد

للوصل عيني سَاهِرَة
چشمانم به انتظار وصال (کربلا) بیدار است

أطفأ سَمْعِي مَدْمَعِي ... و دَاكَّ نَوْجِي مَسْمَعِي
اشکم شمع مرا خاموش کرد و مویه‌ها و نوحه‌ها در گوشم طنین انداز شد

إيه دُمُوعِي، اَشْتَعَلِي!
هان! ای اشک‌های چشم من، بجوشید

نارُ اَشْتِياقِي، كَمْ تَصْطَلِي!
ای آتش شوق من چقدر شعله‌وری!

ليلُ اِنْتِظاري، هل يَنْجَلِي؟
آیا شب انتظار مرا پایانی هست؟

(مولاى مولاى السلام)
سلام ای مولاى من

هنا الأسى كُلُّ الأسى... هُنَا الصِغارُ و النِساءُ
اینجا همان محل اندوه و غم است؛ همه غم‌ها اینجا است.. اینجا جایی است که کودکان و زنان اهل بیت بودند

هُنَا النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ
اینجا همانجایی است که ستارگان درخشان بودند

مِنْ سَاجِيَاتٍ صُرَّعَ ... تَدْعُو إِلَى النَّفَّعِ
این ستارگان همان اجساد ساکن و بر زمین افتاده اند و این اجساد به نوحه و عزا فرا می خوانند

يا ودايِ الطَّفِّ ما جرى ؟
ای سرزمین کربلا چه اتفاقی افتاده است؟

فَاقَ الْمُصَابُ التَّصَوُّرَا
این مصیبت از تصور فراتر است

هَذَا حَسِينٌ فَوْقَ الثَّرَى
این حسین علیه السلام است که بر خاک افتاده است

(عَلَيْكَ مَوْلَايَ السَّلَامُ)
ای مولای من سلام بر تو

إِلَيْكَ أَنْتَ سَيِّدِي ... الْأَرْبَعِينَ مَوْعِدِي
مولایم، به سوی تو رهسپارم..... میعاد ما اربعین است

ذَكَرَاكَ أَهْلَى خَاطِرَةٍ
یاد تو شیرینترین خاطره است

جَابِرٌ قَدْ جَاءَ مَعِي ... يَأْخُذُنِي لِلْمَصْرَعِ
جابر با من آمده است.... و مرا به سوی قتلگاه تو می کشاند

عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ الْمُنَى
مولای من! آرزوهایم نزد توست

ظَلَمَةٌ رُوِّجِي تَلَقَى السَّنَا
تاریکی روحم به روشنی می گراید

كُلُّ وُجُودِي لَكَ انْحَنَى
تمام وجودم برای تو تعظیم می کند

(مَوْلَايَ مَوْلَايَ السَّلَامُ)
سلام ای مولای من

شعر فارسی: محمد مهدی سیار
شعر عربی: احمد حسن الحجیری از بحرین